



۵۰۴



۱۵ سال است که زنان محله امیرالمؤمنین (ع) هر روزشان را با آموختن آیه ها آغاز می کنند

## صبحگاه قرآنی در خانه «مادر صادق»

عکس: فیهیمه فرخی/شهرآرا

خاطرات مینا حسن زاده به کوچه پس کوچه های  
کوی عمار یاسر پیوند خورده است  
ردپای کودکی در کال قره خان

۶



وضعیت نامناسب پیاده روهای خیابان شهیدمؤمن در  
کوی عمار یاسر شرایط سختی رفت و آمد برای سالمندان  
کودکان و مادران ایجاد کرده است  
راه رفتن در مسیر ناهموار

۳

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران  
با کمک به دانش آموزان منطقه ما  
نخستین تجربه های معلمی خود را پشت سر می گذارند  
کلاس هایی که هم معلم می سازد، هم شاگرد

۷



همسایه به همسایه، دیدار چهل و چهارم، کوچه چمن ۹۵

## وقت گذاشتن برای همسایه‌ها

عطائی در بعضی کوچه‌ها، همسایه‌ها داری هنوز چیزی بیشتر از سلام و احوالپرسی‌های روزانه است؛ آدم‌ها از حال هم باخبرند. در روزهای سخت سراغ یکدیگر را می‌گیرند و شادی‌هایشان را با هم قسمت می‌کنند. کوچه چمن ۹۵ در محله جلالیه، از همین کوچه‌هاست؛ جایی که ارتباط میان همسایه‌ها در سال‌ها شکل گرفته و بار و باره‌های خانگی، جلسه قرآن، دورهمی‌های شبانه و کمک‌های کوچک و بزرگ به یکدیگر ادامه پیدا می‌کند. صندوق مهریانی کوچه برای کمک به همسایه‌های نیازمند یا تهیه هدیه برای نوزاد تازه متولد شده، تنهایی از نشانه‌های این ارتباط است.

اینجا همسایه‌ها فقط از کنار هم عبور نمی‌کنند؛ در عیادت بیمار، روزهای سوگواری و حتی مهمانی‌های یکدیگر حضور دارند و بخشی از بار زندگی را از دوش هم برمی‌دارند.

## همسایه‌ها، حامی یکدیگر

وقتی همسایه‌ها در روزهای سخت، پیش از آنکه از آن‌ها درخواست کمک شود، سراغ آدم را می‌گیرند. معنای همسایه‌داری از دیوارهای مشترک خانه‌ها فراتر می‌رود. طیبه علیزاده شانزده سال است در کوچه چمن ۹۵ زندگی می‌کند و از نخستین روزهای حضورش در این کوچه، این همراهی را تجربه کرده است.

او تعریف می‌کند: همان روزهای اولی که به این کوچه آمدم، مادرم را از دست دادم و دخترم را باردار بودم. همسایه‌ها برای تسلیت به خانه‌مان آمدند و در آن روزهای سخت کنارم بودند. از آن زمان، رابطه‌ام با اهالی محکم‌تر شد. مسجد علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> نیز یکی از محل‌های ارتباط همسایه‌هاست.

طیبه خانم را همسایه‌های مهربان و حامی می‌دانند. چون در سال‌های حضورش در کوچه، هر جا همسایه‌ای بیمار می‌شود، خانواده‌ای عزادار است یا کسی گرفتاری مالی دارد، تا جایی که بتواند همراهی می‌کند. او صدیقه خرابی را معرفی می‌کند؛ همسایه‌ای که به گفته او، سال‌ها در کنار خانواده‌اش و همسایه‌ها بوده است و می‌توان در کارهایش کمکش حساب کرد.

## برگشت به کوچه

صدیقه خرابی حدود پانزده سال است که در کوچه چمن ۹۵ سکونت دارد و در این مدت، رابطه‌اش با اهالی فقط به دیدارهای روزمره محدود نمی‌شود. او سال‌ها از همسر بیمارش مراقبت می‌کند و در کنار مسئولیت‌های خانواده، هر زمان بتواند برای همسایه‌ها وقت می‌گذارد.

خرابی در مراسم عزاداری و شادی همسایه‌ها آشپزی می‌کند و اگر کسی مهمانی داشته باشد، کارهای خانه و همسرش را از قبل سامان می‌دهد تا چند ساعتی به کمک همسایه‌اش برود. حتی یک سال از این کوچه رفت، اما دوری از همسایه‌ها برایش سخت بود و دوباره به همین جا برگشت. او درباره رابطه اهالی می‌گوید: همسایه‌ها اینجا مثل خواهر هستند و می‌شود روی آن‌ها حساب کرد. همچنین الان حدود هفت ماه است که همراه بیشتر همسایه‌ها شب‌ها در تجمعات خیابان حاضر می‌شویم و دیدارهایمان در همین دورهمی‌ها ادامه دارد.

## رفاقت ۴۰ ساله

طاہره چاه‌چی، چهل سال است در کوچه چمن ۹۵ زندگی می‌کند و بخش مهمی از خاطراتش با همین همسایه‌ها گره خورده است. او از «مادر زهرا» یاد می‌کند؛ همسایه‌ای که از روز نخست اسباب‌کشی تا آخرین روز زندگی‌اش، دوست و همراه او بوده است؛ «هر دو بیرجندی بودیم و همین وجه مشترک، صمیمیتان را بیشتر کرد. خدا رحمتش کند. او اولین کسی بود که باعث شد دل بسته این کوچه شوم.»

به باور او برگزاری روضه‌های خانگی و جلسه قرآن فاطمه زهرا<sup>(س)</sup>، ارتباط اهالی را بیشتر کرده است. چاه‌چی می‌گوید: در این کوچه همه اهل دعا، قرآن و کمک به یکدیگرند. صندوق مهریانی هم دارند و برای همسایه‌های نیازمند یا نوزاد تازه متولد شده از آن استفاده می‌کنند.

طاہره خانم، طیبه علیزاده را به عنوان همسایه نمونه معرفی می‌کند و او را از کسانی می‌داند که در گرفتاری‌ها زودتر از بقیه سراغ همسایه‌ها می‌رود.

همسایه به همسایه



## مرکز بحران شرق مشهد در آستانه بهره‌برداری

مرکز فرماندهی شرق مشهد در قالب پایگاه چند منظوره مدیریت بحران شهید اسماعیل پور، با هشتاد درصد پیشرفت فیزیکی در آستانه بهره‌برداری قرار دارد. این پروژه از سال ۱۴۰۰ آغاز شده است و در زمینی به مساحت ۱۵۰ مترمربع احداث می‌شود. برای اجرای پروژه و تأمین تجهیزات ۱۷ میلیارد تومان اختصاص یافته است.

شهر خبر



## پاک‌سازی ۳۲ کانون سالک

از خرداد تا ابتدای شهریور، ۳۲ کانون رشد پشه سالک در منطقه ۵ شناسایی و با اجرای عملیات سم‌پاشی و آهک‌پاشی ایمن‌سازی شد. بیشتر این کانون‌ها در اراضی بایرو و رها شده خیابان‌های مهرآباد، شهید شفیعی، شهید شیرنژاد، شهید مفتاح شرقی و محدوده پارک گل افشان قرار داشتند.

## آزاد شدن اراضی تصرف شده

۸ هزار و ۵۰۰ مترمربع اراضی تصرف شده منطقه ۵ در راستای برخورد با ساخت و سازهای غیرمجاز آزادسازی و ۵ هزار و ۴۰۰ متر دیوارکشی غیرمجاز تخریب شد. در این طرح، دورای کمیسیون ماده ۱۰۰ در حریم شهر و چهار مورد تخریب دیوارهای خطرناک در محدوده بولوار مفتاح شرقی اجرا شد و اراضی به وضعیت ایمن بازگشتند.

دورنخست رویداد «مغز بادوم» در حال برگزاری است

## مهمانی ۴۰ پدربزرگ

عطائی نقش پدربزرگ‌ها در خانواده و ارتباط آن‌ها با نسل جدید، محور رویدادی است که با عنوان «مغز بادوم» در مساجد محلات منطقه ۵ دنبال می‌شود و قرار است طی آن، در چند مرحله از پدربزرگ‌های خانواده دوست قدردانی شود.

فاز نخست این رویداد از ۲۶ مرداد تا ۱ شهریور در هشت مسجد محلات امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، مهدی آباد، جلالیه و مهرآباد برگزار و طی آن از چهل پدربزرگ دغدغه‌مند و خانواده دوست تجلیل شد.

طرح «مغز بادوم» قرار است در مجموع در ۲۷ مسجد محوری محلات منطقه ۵ اجرا شود. در این طرح از پدربزرگ‌هایی که نوه‌های متولد سال ۱۴۰۴ به بعد دارند، به پاس نقش آن‌ها در همراهی خانواده و پرورش نسل جدید قدردانی می‌شود.

این رویداد تا پایان آبان ادامه دارد و از پدربزرگ‌های ساکن سایر محلات منطقه ۵ به مرور در برنامه‌های پیش‌بینی شده تقدیر می‌شود.





وضعیت نامناسب پیاده‌روهای خیابان شهید مؤمن در کوی عمار یاسر شرایط سختی برای رفت‌وآمد سالمندان، کودکان و مادران ایجاد کرده است

## راه رفتن در مسیر ناهموار

سحر نیکو عقیده کافی است چند قدم در خیابان مؤمن در کوی عمار یاسر راه بروی تا متوجه شوی پیاده روی در این خیابان چندان هم ساده نیست. پیاده‌روها یکدست و یک شکل نیستند و تو در هر قدم با مانعی تازه روبه روی می‌شوی. یک جا پیاده‌رو باریک می‌شود، چند قدم جلوتر ارتفاعش تغییر می‌کند و بعد از یکی دو متر، پله‌ای وسط مسیر قرار گرفته است. کمی جلوتر، موزاییک جای خودش را به سنگ فرش می‌دهد و چند متر بعد، آسفالت ترک خورده‌ای خودنمایی می‌کند. بعضی قسمت‌ها هم اصلاً پیاده رویی وجود ندارد و عابر باید وارد خیابان شود.



### ● پیاده‌رو با ظاهری به هم ریخته

حسن سیدی، از اهالی قدیمی کوی عمار یاسر، دل پر دردی از این موضوع دارد و می‌گوید: آدم وقتی می‌خواهد از اینجا رد شود، باید مدام حواسش به مسیر باشد تا زمین نخورد. جدا از این موضوع، این پیاده‌روهای ناهمگون و نامیزان، ظاهر محله را نامرتب و به هم ریخته کرده‌اند. از او می‌خواهم به چند کوچه یا معبر در خیابان مؤمن که باید در اولویت رسیدگی قرار بگیرند، اشاره کند و او می‌گوید: پستی‌ها و بلندی‌ها آن قدر زیاد است که نمی‌توانم به یک کوچه مشخص اشاره کنم. همه جا اوضاع همین‌طور است. سیدی ادامه می‌دهد: این مشکل از گلیه‌های قدیمی ساکنان است و هر بار صحبت از وضعیت خیابان و معابر می‌شود، پیاده‌روها هم یکی از موضوعات مورد اعتراض اهالی است.

### ● گلیه مادران محله

برای برخی مادران اختلاف ارتفاع‌ها و باریک شدن مسیر در سریشتری هم ایجاد می‌کند. مریم غلامپور، یکی از مادران ساکن محدوده، می‌گوید: کالسکه را که همراه می‌برم، یک جا باید از روی پله ردش کنم؛ یک جا اصلاً جا برای عبور نیست. خیلی وقت‌ها مجبور می‌شوم بیایم داخل خیابان و از کنار ماشین‌ها رد شوم. عبور از خیابان با فرزند کوچکم واقعاً خطرناک است.

محمد رحمانی، از ساکنان قدیمی و سن‌دار محله، می‌گوید: برای جوان‌ها شاید این چیزها خیلی به چشم نیاید، ولی یک آدم مسن نمی‌تواند مدام از این شیب‌ها بالا و پایین برود. ما پیرمرد و پیرزن‌های محله خیلی آهسته‌راه می‌رویم و همین ناهمواری‌ها

پیاده‌روهای ناهمگون و نامیزان، ظاهر محله را نامرتب و به هم ریخته کرده‌اند



### ● بهسازی پیاده‌روها، نیازمند تأمین اعتبار

رئیس نواحی منطقه ۶ مشهد، با تأیید وجود این مشکل در معابر کوی عمار یاسر، گلیه اهالی درباره وضعیت پیاده‌روها را وارد می‌داند و می‌گوید این موضوع پیش از این هم مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفته است.

سید مجید پورحسینی توضیح می‌دهد: سال گذشته در اعتبارات زودبازده، موضوع سامان‌دهی و بهسازی پیاده‌روهای محله کوی عمار یاسر در نظر گرفته شده بود و رسیدگی به این بخش‌ها در اولویت قرار داشت، اما به دلیل کمبود نقدینگی، اعتبارات مورد نیاز تخصیص پیدا نکرد و امکان اجرای طرح فراهم نشد.

این مسئول با اشاره به اقدامات در حال اجرا در محدوده محله آقامصطفی خمینی ادامه می‌دهد: در حال حاضر، پیاده‌روسازی در برخی خیابان‌های این محله که وضعیت حادثه‌تری داشتند، در حال انجام است و این بخش‌ها در اولویت رسیدگی قرار گرفته‌اند.

به گفته رئیس نواحی منطقه ۶ مشهد، برای پیاده‌روهای خیابان شهید مؤمن در شرایط فعلی برنامه اجرایی مشخصی در دست اجرا نیست و رسیدگی به این بخش، نیازمند پیش‌بینی و تأمین اعتبار در برنامه‌های آینده است.

### آسفالت تازه برای میدان ۱۷ شهریور

عملیات روکش آسفالت میدان هفده شهریور با هدف بهسازی معبر، افزایش ایمنی و تسهیل تردد زائران و مجاوران بارگاه منور رضوی اجرا شد. این عملیات در مساحت بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ متر مربع و با مصرف هزار و ۱۶۷۰ تن آسفالت توسط شهرداری منطقه ۶ به اجرا درآمد.

میدان هفده شهریور به دلیل مجاورت با مجتمع‌های تجاری، بازار رضا<sup>(ع)</sup> و قرار گرفتن در مسیر تردد زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، از معابر پرتردد و مهم منطقه ۶ محسوب می‌شود. اجرای روکش آسفالت این محدوده با هدف بهبود کیفیت سطح معبر، افزایش ایمنی عبور و مرور، تسهیل تردد خودروها و ارتقای سیمای شهری انجام شده است.

### لای روبی کانال‌های پیش از بارندگی

لای روبی و پاک‌سازی کانال‌های سرپوشیده جمع‌آوری آب‌های سطحی، به صورت مستمر و روزانه در نقاط مختلف منطقه ۶ انجام می‌شود. این عملیات با هدف بازنگاه داشتن مسیر عبور آب، حفظ ظرفیت انتقال کانال‌ها و کاهش احتمال آب‌گرفتگی معابر در زمان بارندگی‌های فصلی در حال اجراست.

تخلیه رسوبات و مواد انباشته شده از کانال‌ها، علاوه بر جلوگیری از اختلال در مسیر انتقال آب، به کاهش بوی نامطبوع و پیشگیری از ایجاد زیستگاه برای جانوران موزی کمک می‌کند و در ارتقای بهداشت محیطی محلات مؤثر است. شناسایی نقاط مستعد و رفع عوامل خطر از برنامه‌های مستمر خدمات شهری منطقه ۶ است.



شهر خبر



عطانی معبر شانزده متری اراضی ۳۲.۵ هکتاری آستان قدس رضوی، در هفته دولت به بهره‌برداری رسید؛ مسیری که با اتصال بولوار حر به بولوار بصیرت، دسترسی شهروندان در محدوده شهرک شهید رجایی را بهبود می‌بخشد.

شهردار منطقه ۶ با اعلام این خبر درباره جزئیات این پروژه می‌گوید: معبر شانزده متری اراضی ۳۲.۵ هکتاری آستان قدس رضوی به طول ۵۶۰ متر، با هدف ارتقای شبکه دسترسی و تسهیل تردد شهروندان در محدوده شهرک شهید رجایی آماده‌سازی شد و هم‌زمان با هفته دولت به بهره‌برداری رسید.

امیر رضانی می‌افزاید: این معبر با اتصال بولوار حر به بولوار بصیرت، مسیر دسترسی جدیدی ایجاد می‌کند و با توجه به قرارگیری در مجاورت بیمارستان ۵۴۰ تخت‌خوابی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رضانی ادامه می‌دهد: بازگشایی این مسیر می‌تواند ضمن کاهش بار ترافیکی معابر پیرامونی، به توزیع مناسب‌تر جریان ترافیک، کاهش زمان سفر و افزایش سهولت و ایمنی تردد شهروندان کمک کند.



شهردار منطقه ۶ مشهد از بهره‌برداری یک مسیر جدید در محدوده شهرک شهید رجایی خبر داد

## شریانی تازه برای منطقه





۱۵ سال است که زنان محله امیرالمؤمنین (ع)  
هر روزشان را با آموختن آیه ها آغاز می کنند

## صبحگاه قرآنی در خانه «مادر صادق»

مریم دهقان هرکسی یک قرآن که روی رحل قرار دارد، جلو خودش گذاشته و دوزانو نشسته است. یکی کلمه های هر آیه را به سختی کنار هم می نشانند تا آن را درست ادا کند و یکی روان تر می خوانند. همه جور سنی هم در این جمعیت دیده می شود: از دختر ده وازده ساله گرفته تا خانم جوان سی و پنج ساله و مادر بزرگ های پنجاه شصت ساله که همسایه این کوچه و چند کوچه بالاتر حوالی گلشهر هستند. علاقه به یادگیری کلام الهی و ارادتی که به اهل بیت (ع) دارند، آن ها را سال ها است دور هم جمع کرده است و دوره قرآنی زنانه و خودمانی تشکیل داده اند. دورتادور منزل بی بی، خانم هایی نشسته اند که حتی سواد الف و لام ساده را هم بلد نبودند اما حالا بعد از روزها و هفته ها و سال ها تلاش، به همت فاطمه زارعی، مداح و معلم قرآن محله امیرالمؤمنین (ع)، همین خانم ها می توانند قرآن را به راحتی بخوانند و از این حس یادگیری لذت ببرند.



عهد  
فاطمه خانم  
با خدا

ماجرای شکل گیری دوره قرآن فاطمه خانم زارعی برای زنانی که علاقه به یادگیری قرآن دارند به حداقل پانزده سال پیش برمی گردد؛ زمانی که شاید فاطمه زارعی هنوز موهایش مثل امروز سپید نشده بود. او مداح اهل بیت (ع) است و در خانه و مسجد محله به دختران نوجوان و جوان، قرآن هم یاد می داد تا اینکه یک سؤال که بارها تکرار شده بود، ایده برگزاری دوره قرآن خانگی را در ذهنش حک کرد؛ «خیلی پیش آمده بود که خانم ها بعد از هر مجلسی که می رفتم، به من می گفتند احساس افسردگی می کنم، دعایی به ما یاد بده تا حالمان خوب شود». فاطمه خانم در مقابل این درخواست فقط یک پاسخ می داد: «من دعای خاصی بلد نیستم، اما بیایید به شما قرآن درس بدهم. اگر باقرآن مأنوس شوید، از افسردگی نجات پیدا می کنید.»

این سؤال به قدری تکرار می شود که فاطمه خانم تصمیم می گیرد بین خود و خدایش عهده ای ببندد و کاری برای حال ناخوش خانم های همسایه و محله اش انجام دهد؛ «گفتم خدایا من به هر مجلسی می روم، صاحب آن مجلس، به عنوان تشکر، پاکتی به من می دهد. می خواهم در خانه خودم، برای رضای توبه خانم هایی که دوست دارند، قرآن یاد بدهم. پاکت هم نمی خواهم؛ در عوض خودت هوای زندگی ام را داشته باش.»

فاطمه خانم رادر محله به نام «مادر صادق» که اسم پسر بزرگش است، صدای زنند. او درباره شروع دوره قرآن می گوید: «اوایل هرچه به خانم هامی گفتم بیایید به شما قرآن یاد بدهم، نمی آمدند. می گفتند مادر صادق، ما سواد نداریم و

نمی توانیم. می گفتم اشکال ندارد، کم کم شروع می کنیم. اصرار شروع جلسات از خانم زارعی و انکار و حس ناتوانی در خانم های همسایه تا مدتی ادامه داشت تا اینکه اولین جلسه قرآن آموزی خانگی فاطمه خانم صادق شروع شد؛ «خیلی از خانم ها که اینجامی آمدند و هنوز هم به جلسه ما اضافه می شوند. سواد الفبایی هم ندارند. بالاخره ما جلسه اولمان را با یک نفر شروع کردیم و کم کم این تعداد به پنجاه شصت نفر رسید، تا جایی که گاهی خانه، پرمی شد و خانم ها دور دیقه می نشستند. الان هم گاهی کم می شوند و گاهی زیادتر.»

۱۵ سال  
استمرار

مادر صادق نخستین جلسات را به سختی یادش است که دقیقاً از چه زمانی شروع شد. با تردید جواب می دهد: فکر می کنم از سال ۹۰ بود که شروع کردیم. شاید هم زودتر. دقیق یادم نیست اما از آن زمان تا الان، تعداد افراد دوره بارها عوض شده است؛ بعضی که یاد گرفتند، دیگر نیامدند و ادامه ندادند. اینجاست که قرآنی به سادگی برگزار می شود. هرکسی نذری دارد، برای صبحانه می آورد. گاهی حتی نذر افراد، یک برش نان ساده است و گاهی بیشتر، قند و چای دوره هم جزو نذورات است.

فاطمه خانم درباره کم و زیاد شدن افراد دوره در طول این سال ها می گوید: سال های اول که کار را شروع کرده بودیم، وقتی بعد از مدتی آن هایی که قرآن را یاد می گرفتند، دیگر نمی آمدند، ناراحت می شدم و سراغشان را می گرفتم اما حالا دیگر این طور نیست. می گویم هرکسی روزی اش باشد، بیاید، پیر و جوان باشد بیاید، مهاجر یا ترک و لر باشد بیاید، دیر یا زود بیاید.

هر روز، یک  
آیه

برگزاری دوره قرآن خانگی به سبک فاطمه خانم صبر و حوصله فراوان می خواهد. او درباره روش اجرای آن می گوید: جلسات ما هر روز صبح ساعت ۷ شروع می شود تا ۸:۳۰ ادامه دارد. هر روز هم یکی از خانم ها چند نان به نیت نذری برای صبحانه می آورد.

فاطمه خانم و خیلی از خانم های دیگر که سال ها است در این جلسه شرکت می کنند، معتقدند این جلسات روزانه بخشی از زندگی شان شده است و اگر یک روز نباشد، ناراحت می شوند. مادر صادق ادامه می دهد: هر روز ابتدا یک آیه توسط مربی خوانده می شود. بعد همه افراد جلسه، آن را به نوبت تکرار می کنند. اشکال آن ها را مربی می گیرد و تلفظ صحیحش را یاد می دهد. گاهی که آیات کوتاه باشد، چند آیه با هم خوانده می شود. پایان جلسه هم حدیث کساء یا سوره انعام یا یاسین و دعا خوانده می شود.

تقریباً در همه این سال ها جلسات در منزل فاطمه خانم برگزار شده است اما گاهی یکی از همسایه ها منزلش را در اختیار دوره قرآن می گذارد تا نوای کلام الهی در خانه او هم بیچد.

حال خوب  
در کنار  
آیه ها

کلاس قرآن خط قرمز فاطمه خانم شده است. او در همه این سال ها آن را ترک نکرده است و به گفته خودش، اگر کاری پیش می آمد در خانه اش به روی زنان محله باز بود تا آن را با هدایت یکی از شاگرد هایش که حالا به سطح خوبی رسیده است، اداره کند. او قرآن را نوری سرشار از معنویت می داند و می گوید: هرچه دارم از برکت قرآن دارم. من بارها به کربلا مشرف شده ام و این را از برکت این کتاب الهی می دانم. احترامی را که خانم ها به من می گذارند و گاهی روز معلم برایم هدیه ای می گیرند، از قرآن و این جلسات می دانم.

او این برکت را در کلام زنان همسایه هم دیده است: «همان ها که می گفتند افسردگی دارم، الان قرآن خوان شده اند و می گویند در زندگی آرامش داریم.» او به خاطره یکی از همان زنان اشاره می کند و ادامه می دهد: یک بار خانمی آمد و مراد عا کرد و گفت «این کلاس قرآن برایم نجات دهنده بود. من قبلاً کلی قرص برای افسردگی ام می خوردم اما الان به واسطه دعا و قرآنی که می خوانم، حالم بهتر است.»

به گفته فاطمه خانم «برکات قرآن زیاد است و نمی توان درباره آن توضیح داد. اما فقط می توانم بگویم هرچه دارم از قرآن دارم.»







### قرآن آموزان کوچک

اینجا فقط خانم های مسن که سواد ندارند، دیده نمی شوند. گوشه مجلس دودختر دبستانی رامی بینیم و با آن ها گفت وگومی کنیم. سارا ایلخانی و بهاره غلامی دودوست هم محله ای هستند و قرار است امسال کلاس چهارم را بگذرانند. سارا برایمان می گوید: عمه ام که چند وقتی است به اینجامی آید، به مادرم خبر داد و حالا دوسه روز است که با مادرم به جلسه قرآن می آیم. سارا با اینکه سن کمی دارد، می گوید: قرآن خواندن را خیلی دوست دارم. قبلا نمی توانستم قرآن بخوانم اما در همین چند روز که آمده ام، توانسته ام آیات را خط ببرم و بخوانم. از اینکه توانسته ام قرآن بخوانم، حس خوبی دارم و دوست دارم باز هم بیایم. اما بهاره برای اولین بار است به این دوره قرآن می آید و هنوز کمی خجالت می کشد که در جمع قرآن بخواند. او می گوید: از طریق سارا با اینجا آشنا شدم و من هم آمدم. امروز آیه ای را که همه خواندند، من نخواندم اما به خاطر اینکه دوست دارم قرآن یاد بگیرم، آمدم. شاید روزهای بعد هم بیایم و این دوره را تا قبل از شروع مدرسه ادامه بدهم.

### عاشق قرآنم



صد یقه میرزایی ۵۶ سال دارد و او هم سه چهار سالی است که میهمان دوره های قرآنی صبحگاهی خانم زارعی است. میرزایی ترک زبان است و نحوه آشنایی اش با این جلسات را این گونه برایمان تعریف می کند: برای نماز به مسجد محله می روم. یک شب با خانم های همسایه صحبت می کردیم. حرف از قرآن خواندن شد. من که یادداشتیم، گفتم خیلی دوست دارم یاد بگیرم. یکی از خانم ها اینجا را معرفی کرد. نشانی گرفتم و شرکت کردم. از همان زمان این جلسات را ادامه داده ام. میرزایی حالا قرآن خواندنش بهتر از چند سال قبل شده است و به تنهایی می تواند سوره هایی را که یاد گرفته است، روان تر بخواند. با همان لهجه شیرین ترکی می گوید: خدا خانم زارعی را خیر بدهد. خیلی زحمت می کشد. خیلی خوشحالم که می توانم قرآن بخوانم. قبلا بلد نبودم یک آیه بخوانم اما حالا سوره های کوچک و سوره یاسین را خوب می خوانم. امیدوارم خیلی خوب یاد بگیرم و من هم یک روزی به دیگران یاد بدهم. او ادامه می دهد: من عاشق قرآنم. چند روزی که به خاطر سفر حاج خانم به کریم، جلسه مان تعطیل شده بود. خیلی ناراحت شده بودم؛ اما حالا که دوباره برگزار شده است، صبح زود به خاطر جلسه قرآن حاضر می شوم تا اینجا قرآن بخوانم.

### قرآن شفابخش است



جلسات دوره قرآن خانم زارعی بیشتر با حضور خانم های مهاجر افغانستان برگزار می شود که سال هاست در محله امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> زندگی می کنند و سواد خواندن و نوشتن ندارند اما علاقه زیادی به قرآن دارند. مثل بی بی سارا حسینی که از سال ۶۰ ساکن این محله شده و قبل از شروع کرونا، با این جلسات آشنا شده است؛ «من سواد نداشتم. نزدیک ۱۰ سال است با این جلسه آشنا شده ام و خیلی خوب یاد گرفته ام». او به خاطر اینکه پیشرفت خوبی در روان خوانی قرآن داشته است، خدا را چندین بار شکر می کند و ادامه می دهد: الان خیلی خوشحالم که می توانم خودم قرآن بخوانم و محتاج کسی نیستم و همین برایم کافی است. من سوره یاسین را حفظ کردم. سوره الرحمن، واقعه، ملک و سوره های کوچک را خیلی راحت می خوانم. زیارت عاشورا و حدیث کساء را هم بلدم. هر وقت به حرم می روم، خودم زیارت نامه می خوانم. قرآن از نظر بی بی سارا شفابخش است. وقتی از او می خواهیم نظرش را درباره این کتاب الهی بگوید، دستش را روی قلبش می گذارد و ادامه می دهد: ما از برکت قرآن زنده ایم. آدمی که به قرآن متوسل شود، این کتاب مقدس او را استوار نگه می دارد. ما شیعه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> هستیم و هر چه داریم، از برکت قرآن و اهل بیت<sup>(ع)</sup> است.





خاطرات مینا حسن زاده به کوچه پس کوچه های کوی عمار یاسر پیوند خورده است

## ردپای کودکی در کال قره خان



محله گردی

ایستگاه  
اول

سحر نیکو عقیده ابعضی آدم ها آن قدر بایک محله گره خورده اند که نمی شود قصه زندگی شان را جدا از کوچه ها و خانه هایش تعریف کرد. مینا حسن زاده یکی از همین آدم هاست: متولد محله آقامصطفی خمینی (کوی عمار یاسر) است و حالا گوشه و کنارش را مثل کف دستش می شناسد. از نشستن پشت نیمکت مدرسه محله تا برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در حیاط خانه همسایه برای او پیر از خاطرات فراموش نشدنی است. حتی وقتی بعد از ازدواج مدتی از محله دور شد، دوباره به همین جابرجشت. حسن زاده، متولد سال ۱۳۶۳ و یکی از فعالان محله و خادم یار مسجد جواد الائمه<sup>(ع)</sup> است. خودش می گوید اگر قرار باشد دلیلی برای نرفتن از این محله پیدا کند، بدون شک همسایه ها پررنگ ترین بهانه هستند.



خانه پدری من درست در خیابان اصلی، در راسته خیابان مؤمن قرار داشت. خانه ای که با وجود ۹ خواهر و برادر، فضای چندانی نداشت. عصرهای تابستان، بچه های محله روبه روی خانه ما جمع می شدند و بازی می کردیم. یک روز هفت سنگ و روز دیگر تیله بازی.

ایستگاه  
دوم

مسجد جواد الائمه<sup>(ع)</sup> یک از پاتوق های بچگی مان بود. من از همان سال ها برای نماز جماعت به مسجد می رفتم و همیشه دلم می خواست یک بار هم که شده در صف اول نماز جماعت بایستم، اما بزرگ ترها آن روزها سخت گیرتر بودند. هر بار دعا و ایمان می کردند و می گفتند جای بچه ها در صف آخر است!



ایستگاه  
سوم

ایستگاه  
چهارم

دبستان کودکی ام، مدرسه نفیسه، در همین محله بود؛ مدرسه ای که حالا به مخروبه تبدیل شده است. تنها خاطره بدی که از آن دارم مربوط به روزی می شود که اشتباهی کیف خواهرم را برداشته بودم و در مدرسه متوجه شدم که کتاب و دفترهایم همراهم نیست. معلم که متوجه ما جراشد، حسابی دعا و ایم کرد و من هم زدم زیر گریه.



ایستگاه  
پنجم

آن سال ها وسط خیابان مؤمن، کال قره خان قرار داشت؛ یک کال قدیمی که بعدها رویش را پوشاندند و آسفالت کردند. برای ما بچه ها آنجا محل بازی و شیطنت بود. یک بار وسط بازی، پای خواهرم پیچ خورد و داخل شیب کال افتاد و سرش شکست. از آن روز به بعد مادرم دیگر اجازه نداد آنجا بازی کنیم.



ایستگاه  
ششم

آن روزها تنها نانوایی محله سر خیابان عمار یاسر بود که به خاطر نانوای عراقی اش، نان عراقی می پخت؛ به همین خاطر، اینجا بین همسایه ها به کوچه نانوایی معروف بود. ما بچه ها ساعت ها در صف می ایستادیم و گاهی حتی قبل از شروع پخت، زنبیلان را می گذاشتیم تا جایمان حفظ شود.

از بهترین خاطرات کودکی ام، چهارشنبه سوری ها بود. رسممان این بود که هر سال شب چهارشنبه آخر سال، همه بچه ها به خانه همسایه دیواره بازی و دورهمی ما جای خانه ای با حیاطی بزرگ که برای بازی و دورهمی ما جای مناسبی بود. وسط حیاط آتش روشن می کردیم و یکی یکی از رویش می پریدیم.



دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران با کمک به دانش آموزان منطقه ما، نخستین تجربه های معلمی خود را پشت سر می گذارند

## کلاس هایی که هم معلم می سازد، هم شاگرد

عیدگاه

ریاضی است. خودش در آموزش و پرورش، معماری تدریس می کند اما اینجا پای تخته ریاضی می ایستد. او می گوید: دانش آموزان این مدرسه فوق العاده با استعداد و با اخلاق هستند و امیدوارم در آینده، روزهای درخشانی داشته باشند.

سید امیرعلی مرتضوی که امسال وارد پایه ششم می شود، پیش از این در تقسیم و ضرب اعداد کسری مشکل داشته است. حضور در کلاس های جهادی باعث شده است این مفاهیم را بهتر درک کند. کیانوش محمدی هم فرصت پیدا کرده است بخش هایی از کتاب ریاضی سال گذشته را که برایش مبهم مانده بود، دوباره مرور کند. او می گوید: می خواهم در آینده پزشک شوم و برای همین باید درس های مهمی مثل ریاضی را خوب یاد بگیرم.

محمد احسان نوری نیز به توصیه پدرش در این کلاس هاشرکت کرده است. او تفاوت این کلاس ها با مدرسه را در تعداد کم دانش آموزان می بیند و می گوید: ماسه نفر هستیم و کلاس انگار خصوصی برگزار می شود.

در کلاس دیگر آموزش درس علوم در جریان است. رضارستمی که آموزش ریاضی و علوم را بر عهده دارد، به انرژی و استعداد خوب بچه ها اشاره می کند و می گوید: ارتباط بابچه های دبستانی تجربه خیلی شیرینی است.

محمد علی نظری هم که امسال از پایه ششم وارد هفتم می شود، در درس علوم سال گذشته مشکل داشته است. او می گوید: سال قبل کلاس خیلی خوب و با کیفیتی نداشتیم. اینجا بخش مواد شیمیایی درس علوم را بهتر فهمیدم.

خداده که سال گذشته به عنوان عضو عادی این طرح، در مدارس بولوار توس فعالیت داشته، امسال مسئولیت اجرای دوره در مشهد را بر عهده گرفته است.

او توضیح می دهد: با معرفی آموزش و پرورش تبادکان، دبستان شهدای تبادکان و دبیرستان شهید محمود گنجی فر به عنوان محل برگزاری کلاس ها انتخاب شده است و هفت معلم جهادی در این مدرسه مسئولیت آموزش و برنامه های فرهنگی را بر عهده دارند. در بخش آموزشی، تمرکز اصلی روی سه درس ریاضی، علوم و فارسی است و ریاضی بیشترین متقاضی را دارد و در مجموع حدود شصت دانش آموز در این کلاس هاشرکت می کنند.

### ● وقتی استعداد، فرصت می خواهد

در یکی از کلاس ها، امیرحسین شیردل مشغول آموزش دادن



سید محمد عطائی میانه شهرپور، وقتی بیشتر کلاس های درس هنوز در سکوت تعطیلات تابستانی هستند، در ساختمان دبستان شهدای تبادکان و دبیرستان شهید محمود گنجی فر محله امیرالمؤمنین (ع)، کلاس ها برپاست. چند کلاس کوچک با تعداد محدود دانش آموزان شکل گرفته و صدای حل تمرین و پرسش و پاسخ از آن ها به گوش می رسد.

گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی تهران به اینجا آمده اند تا در قالب دوره تدریس جهادی «وتر»، چند روزی کنار دانش آموزان باشند: تجربه ای که برای هر دو طرف، فرصتی برای یادگیری است.

### ● تجربه ای برای روزهای معلمی

علیرضا خداده، مسئول دوره تدریس جهادی و تر در مشهد، هدف این طرح را محدود به آموزش دروس مدرسه نمی داند. به گفته او، این دوره با رویکرد آموزشی و فرهنگی و با مشارکت دانشجویانی برگزار می شود که قرار است در آینده وارد حرفه معلمی شوند. به همین دلیل، حضور در مدرسه فرصتی برای دانشجویان است تا از همین دوران، تجربه ارتباط با دانش آموز فضایی واقعی کلاس درس را به دست بیاورند. او می گوید: اولویت ما مناطق محروم است. این کار برای مایک بازی دوسر برد است؛ هم ثواب کار جهادی را به دست می آوریم و هم مهارت ارتباط با دانش آموزان را بهتر یاد می گیریم.

دوره تدریس جهادی و تر، دوازده سال است که در نقاط مختلف کشور برگزار می شود.

حتی آسیب دیدگی هم انگیزه کشتی گیر نوجوان محله چهنو را سرد نکرد

## به هر قیمتی تمرین می کنم

امید محله

بود و باعث شد انگیزه بیشتری برای ادامه دادن پیدا کنم.

### ● تا امروز چند مدال کسب کرده ای؟

تا الان دوازده مدال به دست آورده ام که بیشتر آن ها در مسابقات باشگاهی بوده است. یکی از مهم ترین مدال هایم مربوط به مسابقات قهرمانی کشتی آزاد خردسالان استان خراسان رضوی در سال گذشته است که توانستم مقام اول را کسب کنم.

### ● فکر می کنی دلیل موفقیت هایت چه بوده است؟

به نظرم مهم ترین دلیل، استمرار در تمرین ها بوده است. همیشه سعی کرده ام در تمرین ها حضور داشته باشم و از برنامه عقب نمانم. فقط یک بار به دلیل آسیب دیدگی از ناحیه آرنج حدود یک ماه نتوانستم تمرین کنم، اما بعد از آن دوباره با انگیزه برگشتم.

### ● تمرین هایتان در باشگاه چگونه است؟

تمرین های ما جدی و فشرده است. معمولاً صبح و بعد از ظهر تمرین داریم و زیر نظر استاد هاشم عفت پناه کار می کنیم. ایشان علاوه بر آموزش فنون کشتی، همیشه به ما انگیزه می دهند و کمک می کنند که از نظر جسمی و ذهنی آماده تر شویم.

### ● برای آینده چه هدفی داری؟

هدفم این است که در آینده یک کشتی گیر موفق شوم و بتوانم در مسابقات بزرگ به مقام های ارزشمند برسم. دوست دارم روزی در رقابت های بین المللی روی تشک بروم و برای کشورم افتخار آفرینی کنم. در کنار آن، یکی دیگر از آرزوهایم این است که در آینده مربی شوم و بتوانم استعداد های جدید را پیدا کنم.

بوده اند. دوست دارم در کنار پیشرفت در کشتی، رفتار پهلوانی و احترام به دیگران را هم مثل ایشان یاد بگیرم و در زندگی ام به کار ببرم.

### ● اولین مسابقه و

اولین مدالت را به یاد داری؟

اولین مسابقه ای که شرکت کردم، رقابت های قهرمانی چندگانه باشگاه های مشهد در سال ۱۴۰۲ بود که توانستم مقام سوم را به دست بیاورم. آن مدال برایم خیلی شیرین بود، چون اولین تجربه حضورم در مسابقات



سحر نیکو عقیده | تماشای تمرین های برادر بزرگ ترش، آرام آرام علاقه ای تازه را در وجودش شکل داد. او که تا پیش از آن، تجربه ای در ورزش نداشت، با دیدن تلاش و پشتکار برادرش در سالن کشتی، به این رشته نزدیک شد و خیلی زود تصمیم گرفت خودش هم وارد میدان تمرین و مبارزه شود.

چهار سال از اولین روزی که علیرضا ملت سیزده ساله پایه سالن کشتی گذاشت می گذرد؛ چهار سالی که برای او با تمرین های سخت، مسابقه، شکست و پیروزی همراه بوده است. حالا او زیر نظر استاد هاشم عفت پناه در سالن کشتی خیابان شیروودی تمرین می کند و تلاش دارد مسیر پیشرفت را قدم به قدم طی کند.

### ● چه شد که تصمیم گرفتی کشتی را شروع کنی؟

قبل از کشتی در هیچ رشته ورزشی کار نمی کردم و آشنایی من با این رشته هم از طریق برادر بزرگ ترم بود. وقتی تمرین های او را می دیدم، کم کم به کشتی علاقه مند شدم و دوست داشتم خودم هم این ورزش را تجربه کنم. حدود یک سال بعد از اینکه برادرم کشتی را شروع کرده بود، پدرم من را در سالن کشتی خیابان شیروودی ثبت نام کرد تا من هم بتوانم این رشته را به صورت جدی یاد بگیرم.

### ● در این مسیر چه کسی الگوی تو بوده

است؟

الگوی اصلی من پدر بزرگم، اسماعیل ملت، است. ایشان از پیشکسوتان کشتی مشهد هستند و همیشه برای من فقط یک کشتی گیر موفق نبوده اند، بلکه یک الگوی اخلاقی هم



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

## محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجاده، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



در اختتامیه طرح «تابستان رؤیایی من» که ویژه دختران نوجوان محله مهرآباد بود، از دختران موفق تجلیل شد. این طرح با هدف غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان و با همکاری هیئت نورالزهر<sup>(س)</sup> در مسجد چهارده معصوم<sup>(ع)</sup> دنبال شد و در پایان، دورهمی صمیمانه‌ای برای دختران محله شکل گرفت.

تصویر و متن از فاطمه رضائی، فعال فرهنگی محله مهرآباد



همراه با ۱۲ بانوی ورزشکار برای شرکت در طرح «بیا برویم کوه» در بوستان شهربانوی نصرت جمع شدیم و سپس به ارتفاعات واقع در انتهای خیابان دلاوران ۷۷ رفتیم.

تصویر و متن از زهره فاروقی، فعال فرهنگی محله پورسینا



## محله به روایت شما

در محله نیزه، طرح «همیار محیط زیست» با هدف ترویج فرهنگ تفکیک زباله و توجه بیشتر به پاکیزگی محله به اجرا درآمد. حدود پانزده نوجوان در این برنامه مشارکت داشتند و زمین‌های انتهایی خیابان‌های شهید آوینی ۴۷ تا ۵۳ توسط آن‌ها پاک‌سازی شد.

تصویر و متن از ابوالفضل شجاعی، فعال فرهنگی محله نیزه



در برنامه «پایش سلامت کسبه» محله نیزه، با مشارکت سه نفر داوطلب هلال احمر وضعیت سلامت هفت نفر از کسبه محله بررسی و نکات لازم برای پیشگیری از بیماری و حفظ سلامت به آن‌ها ارائه شد.

تصویر و متن از معصومه اژدری، مسئول خانه داوطلب هلال احمر شهید آوینی



جمعه‌این هفته در محله آقامصطفی خمینی، در مراسم هفتگی دعای ندبه کناره‌آهالی و نمازگزاران مسجدالمهدی<sup>(عج)</sup> حضور داشتیم. این مراسم با حضور مداحان اهل بیت<sup>(ع)</sup> و تعدادی از هم‌محلی‌ها برگزار شد و فرصت خوبی برای دورهمی و حضور در یک برنامه مذهبی فراهم کرد.

تصویر و متن از زهرا ظهیری، فعال فرهنگی محله آقامصطفی خمینی